



یوسف حاتمی کیا
در آزمون سینمای اکشن و درام اجتماعی
«اسکورت»؛ وقتی جاده
از درام جلومی زند

فرهنگ و هنر ۶

هزینه «قهرمان سازی» از زاکانی در تجمعات شبانه
از جیب چه کسی پرداخت می شود؟
همه خائن اند
غیر از شهردار تهران!

سیاست ۲



شورای عالی فضای مجازی هفت سال پس از پایان دوره چهار ساله
اعضا، همچنان احکام شدد و غلاظ صادر می کند؛

سیاستگذاری و تنظیم‌گری، بدون مشروعیت حقوقی!

هفت سال از پایان دوره چهار ساله‌ای می‌گذرد که برای اعضای شورای عالی فضای مجازی تعیین شده بود؛ هفت‌ساله‌ای که در آن، تصمیمات و مصوبات این شورا همچنان بر یکی از حساس‌ترین عرصه‌های زندگی ایرانیان، یعنی اینترنت و فضای مجازی، سایه انداخته است. نهادی که درباره دسترسی مردم به خدمات ارتباطی، فعالیت کسب‌وکارهای اینترنتی، حکمرانی داده و سیاست‌های کلان فضای مجازی تصمیم می‌گیرد، اکنون خود با پرسشی درباره مبانی حقوقی استمرار اختیارات اعضایش مواجه است که وقتی دوره انتصاب پایان یافته، ادامه تصمیم‌گیری بر اساس کدام حکم صورت گرفته است؟ این پرسش زمانی جدی‌تر می‌شود که نه تنها در احکام منتشر شده، تمدید عمومی جدیدی برای دوره عضویت اعضای حقیقی شورا شناسایی نشده، بلکه دبیر سابق شورای عالی فضای مجازی نیز تأیید کرده که دوره احکام اعضا در سال ۱۳۹۸ به پایان رسیده و او در همان زمان برای صدور احکام جدید با دفتر رهبری مکاتبه کرده بود. هفدهم اسفندماه ۱۳۹۰، رهبری با صدور حکمی دستور تشکیل شورای عالی فضای مجازی را صادر کرد. در متن این حکم، گسترش فناوری‌های ارتباطی، اهمیت شبکه

جهانی اینترنت، ضرورت بهره‌گیری از فرصت‌های آن و مقابله با آسیب‌های احتمالی، دلایل تأسیس شورا عنوان شده بود. در بخشی از حکم آمده بود: «شورای عالی فضای مجازی کشور با اختیارات کافی به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌گردد و لازم است به کلیه مصوبات آن ترتیب آثار قانونی داده شود.» این عبارت، نقطه آغاز شکل‌گیری نهادی بود که قرار شد در حوزه سیاست‌گذاری فضای مجازی، جایگاهی فراتر از یک دستگاه اجرایی داشته باشد. حضور رؤسای سه قوه، وزرا، فرماندهان نظامی و انتظامی و اعضای حقیقی منصوب شده، به‌شورای ترکیبی فراقوه‌ای می‌داد. در همان حکم، اعضای حقیقی برای مدت سه سال تعیین شدند. همچنین تأسیس مرکز ملی فضای مجازی به‌عنوان نهادی وابسته به شورا مورد تأکید قرار گرفت؛ مرکز که قرار بود ضمن رصد تحولات داخلی و جهانی، هماهنگی دستگاه‌ها و نظارت بر اجرای مصوبات را دنبال کند. بنابراین، از ابتدا دو ساختار مرتبط اما متمایز شکل گرفت که «شورای عالی به‌عنوان مرجع سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کلان» و «مرکز ملی به‌عنوان بازوی کارشناسی، هماهنگی و پیگیری اجرای تصمیمات» عمل می‌کرد...

سیاست ۲

۲۴ مهرماه امسال هم پرستاران تنها تعریف و تمجیدهای بی‌حاصل خواهند شنید!

خسته از وعده‌ها و ناامید از تجمع و مطالبه‌گری!

دسترنج ۴



«فرشاد پرویزیان» در بیان چرایی درج نام ایران در میان ۱۵ اقتصاد بسته جهان:

باتورم ۹۰ درصدی، چه جایی برای آزادی اقتصادی باقی می‌ماند؟

چرتکه ۳

گزارش

بررسی چمچاره‌ای به نام «مسدود شدن»، در گفت‌وگو با چند وکیل دادگستری؛

شهروند در تله قطع سیمکارت بدون دادگاه و حق دفاع!

محمد جعفری



«چمچاره» در ادبیات تهران قدیم به وضعیت با موقعیتی منتسب بوده که راهکاری برای برطرف‌افتادن آن وجود نداشته و شخص گرفتار در این موقعیت دچار سردرگمی و ناتوانی می‌شد.

به گزارش آوش، این موقعیت مدیدمدتی است که گریبان‌شماری از شهروندان را گرفته و بسیاری از افراد به یکباره و حتی بدون کوچکترین اطلاع قبلی و امکان دفاع یا مسدود شدن سیمکارت خود روبرو شده‌اند. روندی که نه از طریق سامانه سنا به شهروندان اطلاع داده شده، نه در دادگاهی در همین ارتباط در مراجع قضایی حضور یافته‌اند و نه حتی اطلاع دارند که چگونه با چنین فرمان یکباره و مبهمی از بدبختی‌ترین حق شهروندی خود محروم شده‌اند. امری که البته به همین جا ختم نشده و فرد باید تازه پس از قطع و مسدودیت سیمکارتش، پاشنه‌ها را ورکشده و در دالان هزارتویی قدم بگذارد که آیا مشکلی حل و فصل بشود یا خیر!

وضع این چمچاره به این شکل است که فردی که سیمکارتش مسدود شده به یکباره، گویی از هستی روزمرگی ساقط می‌شود! خطی که تار و پش، خط کاری او بوده و تمامی مراداش در فضای مجازی و تماس‌های کاری از طریق آن انجام می‌شده به یکباره قطع می‌شود، فرد، حتی به‌قوربه انتقال امکان انجام این مرادلات -مثلاً انجام امور بانکی- به سیمکارتی دیگر نیز محال پیدا نمی‌کند.

پیام‌های مربوط به امور واریز و پرداخت بانکی فرد قطع می‌شود، پیام‌های خدماتی رد یا رفت نمی‌کنند، ارتباط سامانه‌های خدمات رسان نظیر: اسنپ، تپاس، الوپیک، چابار و هیچ سامانه دیگری برای او ممکن نیست. وقتی هم که از شماره دیگری با خط خودش تماس بگیرد، تازه متوجه می‌شود که این سیمکارت از هر دو طرف مسدود شده است. بر پایه روایتی که افراد درگیر با این قوز بالای قوز از روندان طرح کار دارند، تجربه بر تکرار این بوده که وقتی هم که شخص، طبعاً به اپراتور سیمکارت خود مراجعه کرده با این پاسخ مواجه شده که سیمکارت شما بنابر یک «تصمیم مدیریتی» مسدود شده است! بعد هم که برای پیگیری بعدی، پرس و جو کرده با دریافت چند شماره تماس روبرو شده و همین!

ماجرا همه همین جا ختم نشده و فرد از این مرحله به بعد تازه در آغاز مسیری مبهم قدم‌رو خواهد رفت! تماس فرد با شماره‌هایی که اپراتور در اختیارش قرار داده عموماً مبهم، پرکنده و نامفهوم بوده و لقمه، پاسخ دندانگیر دستگیرش نخواهد شد. در مرحله بعد اما در مراجعه به معاونت فضای مجازی دادستانی کل نیز، عموماً به افراد گفته شده که از طریق بله یا اینا اقدام به پیگیری «پرونده» خود کنند! پیگیری بعدی مرحله نیز، شما باید یک تمهیدنامه پر کرده برای اکتانی که آن را از سال کرده، بفرستید.

مسأله اما، منصرف به پرکردن تمهیدنامه نیز باقی‌مانده و از فرد خواسته می‌شود تا پست‌هایی در شبکه‌های مجازی داخلی -رویکا،

قانون در هیچ‌پند و اصلی

اجازه قطع سیمکارت افراد را نداده است



همینطور، زهره منتهوی -حقوقدان و وکیل دادگستری در گفت‌وگویی با آوش اشاره‌ای به تجربه موکلین خود در این زمینه داشته و یادآور می‌شود: به نظر من، قطع سیمکارت افراد یا اقداماتی از قبیل ممنوع‌الپرواز کردن شهروندان از جمله کارهایی است که ما حقوق‌شهروندی افراد را بدون استناد به هیچ اصل قانونی زیر سوال می‌بریم. قانون در هیچ اصل و بندی چنین اجازه‌ای را نداده است.

وی افزود: ما اصل قانونی بودن جرم و مجازات داریم و در هیچ بندی از قانون نداریم که بشود بر اساس آن سیمکارت شخصی افراد را مسدود کرد. آن هم در جایی که هم سامانه سنا هم واریزی و پرداختی‌های مالی و حتی نرم‌افزارهایی نظیر اسنپ و امثالهم کاملاً متصل به شماره افراد است. مبنوی، یادآور شد: موکلین من بارها با من تماس گرفته و گفته‌اند که ما محاسبات سیمکارتشان قطع شده و در این مدت به جاهای مختلف مراجعه داشته‌اند. امروز که به یکی از همین موکلین گفته بودم تا به دادستانی کل مراجعه کنند در آن جابه‌و او تنها یک شماره تماس داده بودند که آن یک شماره گویا بوده است! بعد هم باز یک شماره دیگری در اختیار او قرار گرفته و گفته‌اند که باید در پیام‌رسان بله به یک شماره مشخصی پیام بفرستد!

این وکیل دادگستری تصریح کرد: این رویه‌ای است که نه در قانون، جرم‌انگاری شده و نه روند شفاف‌ی را در بر گرفته است. حتی وقتی از من به عنوان یک وکیل هم سوال می‌شود، کمک بیشتری نمی‌توانم به افراد داشته باشم. چرا که همه افراد باید منتظر باشند تا از یک نهادی با آن‌ها تماس گرفته شود! این چه محمل قانونی دارد؟

نمی‌توان به بهانه حفظ امنیت،

حقوق شهروندی افراد را زیر پا گذاشت



همچنین، فرشته تابانیان، دیگر وکیل دادگستری نیز در گفت‌وگویی با آوش به این مسئله و روند آن اشاره داشت و تصریح می‌کند: متأسفانه چند وقتی است که شاهد آن هستیم که برخی از شهروندان اعلام می‌کنند که سیمکارتشان مسدود کردن سیمکارت‌ها، اصولاً با چند اصل قانون اساسی در مغایرت قرار دارد. اصل ۲۵ قانونی اساسی صراحتاً تصریح کرده که هر گونه توقیف یا قطع ارتباطات، سانسور، استراق سمع و تجسس ممنوع است، مگر با حکم قانون که مسدودسازی سیمکارت افراد، بدون مجوز قانونی مشخص به شکل آشکار، ناقض این اصل است. همچنین اصل ۲۲ قانون اساسی، تصریح کرده که حقوق افراد از تعرض مصون است، مگر به حکم قانون.

تابانیان ادامه داد: همچنین اصل نهم قانون اساسی نیز، مصرح کرده که «هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند». این مسئله خیلی عجیب است که شما بخواهید به بهانه حفظ امنیت، حقوق شهروندی افراد را رعایت نکرده و با مسدود کردن سیمکارت شهروندان، اصل آزادی‌های مشروع و اصل مالکیت خصوصی مردم را زیر پا بگذارید. باید مشخص شود که کدام نهاد و کدام باز پرس دستور داده که چنین اقدامی در برابر برخی افراد صورت بگیرد.

عضو کمیسیون امنیت ملی؛

شاید بخشی از زمین‌های کشور را به افغانستان اجاره دهیم



میلیون نفر از اتباع افغانستان در ایران کار، زندگی و امرار معاش می‌کنند. کودکانشان مدارس ما پر کرده‌اند و از کالاهای اساسی پارانه‌ای ما استفاده می‌کنند. با این وجود طالبان حاضر نشده به اندازه آبی که اتباع افغانستان در ایران مصرف می‌کنند، اجازه ورود حقه به خودمان به ایران و هیر مندر ا بدهد.»

هیچ کشوری طالبان را به رسمیت نشناخته است

او با اشاره به اینکه مادر شرایط تحریمی به همسایگان خود نیاز داریم، تأکید کرد: «با این وجود می‌دانید که طالبان تاکنون از سوی هیچ کشوری به رسمیت شناخته نشده است. به نظر من، بیش از آنکه ما به آن‌ها احتیاج داشته باشیم، آن‌ها صدمه برابر بیشتر به ما نیاز دارند. پاکستان نیز درگیر مسائل و اختلافاتی است و کشورهای دیگر هم کار بسیار محکم‌ی در قبال افغانستان دارند.»

این عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی افزود: «به نظر من موضوعی که یکی از همکاران مادر مجلس مطرح کرد، اشتباه بود. ایشان از او «سرزمین» استفاده کرد که به نظر من، طرح چنین موضوعی بسیار عجیب و غریب است. من فکر می‌کنم آقای زنگنه منظور خود را به‌طور کامل توضیح نداد. قطعاً منظور ایشان این نبوده است که بخواهیم سرزمین خود را واگذار کنیم، بلکه اجازه دادن زمین را برای او بوده که یک امری عادی در تمام دنیاست.»

افغانستان مرز در بایی ندارد

شهریار یابیان این که کشورهای زیادی مناطقی از کشورهای دیگر را در اختیار می‌گیرند، بدون اینکه مالک آن‌ها شوند، به‌دیده بان ایران گفت: «همکن است ما صدهکتار زمین در بندر چابهار را برای دوی پانچ سال در اختیار طرف مقابل قرار دهیم تا کالاهای خود را وارد کنند. افغانستان مرز دریایی ندارد دومی توانیم بخشی از زمین را به آنها اجاره دهیم کالاهایشان را از طریق خاک ایران ترانزیت کنند و برای ما هم نفعی داشته باشد. اما این بخش با حاکمیت سرزمینی ایران در اختیار افغانستان قرار می‌گیرد. ما برای حفظ سرزمین خود، ده‌ها سال با بیگانگان جنگیده‌ایم تا حتی یک سانت از خاک کشورمان از دست نرود. بنابراین اگر بگوییم بخشی از خاک ما صاحب سرزمین می‌شود، بسیار عجیب و غیر قابل قبول است.» او با اشاره به این که فکر نمی‌کنم منظور وزیر صمت دادن حاکمیت بخشی از ایران به افغانستان باشد، تأکید کرد: «واکنش‌های بسیاری به این موضوع شده است. من دیدم که آقای زنگنه توضیح تکمیلی ارائه کرده و گفته است که منظور ش واگذاری حاکمیت نبوده است. من هم فکر می‌کنم منظور واقعی ایشان همین بوده است. بعد است‌نماینده‌ای که تاحدی با مباحث تابعیت، مالکیت، حکمرانی و حاکمیت سرزمینی آشنایی دارد، بخواهد حتی سند یک سانتی متر از خاک کشور را در اختیار کشور دیگری قرار دهد.»